
مطالعات تطبیقی مذاهب

ضرورت و بایسته‌ها

علی اکبر نیکزاد

مطالعات تطبیقی، در میراث علمی و فرهنگی ما مسلمانان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای اولین بار قرآن کریم باب مطالعات تطبیقی را به ویژه درباره ادیان به روی مسلمانان گشود. با گسترش جهان اسلام و پیدایش مذاهب اسلامی از سویی و کارکرد و توانمندی این روش علمی از سویی دیگر، باعث گسترش چشم‌گیر این مطالعات شد. تلاش روش‌مند عالمان مسلمان و خلق آثاری گران‌قدر در مطالعات مقارنه‌ای، موجبات تعمیق این مطالعات را فراهم کرد تا جایی که دانش جدیدی به نام «علم‌المقارن» پا به عرصه علوم گذاشت. احیای این سیره سلف و گسترش این مطالعات به منظور گسترش تعامل و تقویت هم‌گرایی در بین مسلمانان و تحکیم مبانی تقریب بین عالمان مذاهب اسلامی از ضرورت‌ها و بایسته‌های فوری این مقطع تاریخی است.

در این مقاله سعی شده است تا با مروری در موضوعاتی چون: چیستی مطالعات تطبیقی، بررسی پیشینه آن در جهان اسلام، اهمیت و ضرورت این مطالعات، شرایط و بایسته‌های این روش و فواید و دستاوردهای آن به بازخوانی این روش در اولین شماره فصلنامه پرداخته شود، تا ضمن ایجاد هم‌زبانی، باب همدلی لازم را نیز بین اهل فضل و تحقیق و علمای مذاهب اسلامی در کشور گشوده و در نتیجه با ارائه آثاری پژوهشی، موجبات غنای هر چه بیشتر این مطالعات، فراهم شود.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، فقه مقارن، مذاهب اسلامی.



مطالعات تطبیقی

مطالعات تطبیقی به تلاش علمی‌ای اطلاق می‌شود که در آن با مقایسه دو یا چند پدیده، به شناسایی وجوه شباهت‌ها و اختلاف‌ها در بینشان پرداخته و به منظور یافتن علل این اختلاف و تشابه، ادله و مبانی هر یک از پدیده‌های مورد نظر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

کارآمدی و اثربخشی این متد و روش موجب پیدایش رشته‌ها و گرایش‌های مختلف علمی چون: الهیات تطبیقی، دین‌شناسی تطبیقی، فلسفه تطبیقی، حقوق تطبیقی و... در عصر جدید شد. پیدایش «فقه مقارن» محصول اهمیت، توسعه و گسترش این رویکرد در بین مسلمانان و اهتمام عالمان مسلمان به این مطالعات بوده است. علمای اسلامی با استفاده از این رویکرد تحقیقی، تلاش کردند تا ضمن نقد و بررسی آرای یک شخص و یا مذهب خاص و مقایسه آن با آرا و نظرات دیگر مذاهب و صاحب‌نظران،

معنای مورد نظر ما از «مطالعات تطبیقی»، بررسی‌های مقایسه‌ای است. یعنی تلاشی است که برای تشخیص مواضع وفاق و خلاف بین دو یا چند نظر به عمل می‌آید. در این مطالعات به صورت طبیعی، پس از مقایسه نقاط مشترک و اختلافی نظرات، با این پرسش روبرو هستیم که علل و عوامل این وفاق و یا اختلاف‌ها چیست؟

به تفهیم دقیق مسئله‌ای دست یازند. این روش در بین مسلمانان، از آن روی که به مقایسه و بررسی آرا و مذاهب مختلف می‌پردازد به «مطالعه مقایسه‌ای»، «مقارنه‌ای» و یا «علم‌الموازنه» و از آن جهت که مبتنی بر کشف، تأکید و برجسته کردن اختلاف‌نظر موجود در یک مسئله بین علمای مذاهب است، به «علم‌الخلافا» شهرت یافت و بیشترین تلاش آنان نیز معطوف به مباحث فقهی بوده است که متأخرین از آن به فقه مقارن یاد کرده‌اند. در این قسمت برای بیان چیستی این قسم از مطالعات، به تعریف بزرگان علما از فقه مقارن و علم‌الخلافا می‌پردازیم.

برای فقه مقارن، حداقل دو تعریف در منابع و مصادر بیان شده است. تعریف اول، صرفاً بر جمع و گردآوری آرا و فتاوی اختلافی تأکید می‌ورزد. ولی تعریف دوم، اضافه بر گردآوری نظرات، بر انجام مقایسه بین آن‌ها و بررسی ادله هر یک، همراه با رد و یا ترجیح برخی از آن‌ها اصرار می‌نماید. «موسوعه‌الفقه‌الاسلامی‌المقارن» تعریف اول را برگزید و ضمن یادکرد آن به «اختلاف‌الفقهاء» آورده است:

«مجموعه‌ای عام و فراگیر از تمامی فقه مذاهب اسلامی و یا مشهورترین آنهاست که اختلاف‌الفقها نامیده شده است».^۱

مرحوم محمدتقی حکیم ضمن اینکه هر دو تعریف پیشینیان را از فقه مقارن نقل می‌کند،^۲ به مقایسه تعریف دوم از فقه مقارن با تعریفی که برخی بزرگان از «علم خلاف» نموده‌اند^۳ پرداخته و می‌نویسد: این تعریف از «فقه مقارن»، به آنچه که اهل تحقیق از پیشینیان، آن را «علم خلاف» و یا «علم خلافیات» نامیده‌اند، نزدیک‌تر است.^۴ از این رو درباره ویژگی‌های عالم به «علم خلاف» گفته‌اند: که با بررسی دلایل، آرا و فتاوی موجود، یا نظری را بنا بر ادله قوی‌تر آن می‌پذیرد و یا اینکه بنا بر ضعف ادله، اساس فتوایی را در هم می‌ریزد.

وی در بیان تفاوت بین علم خلاف و علم مقارن آورده است: «در علم خلاف، وظیفه عالم، جدل با طرف دعوا و دفاع از رأی است که از قبل برگزیده است. کشف واقع برای او به اندازه پیروزی در مقام مجادله اهمیت ندارد. در حالی که در کار مقارن، عالم، خود را در مقام حاکمی می‌بیند که مسئول بررسی تمامی اسناد و ارزش آنها است. وی

در این مطالعات به صورت طبیعی، پس از مقایسه نقاط مشترک و اختلافی نظرات، با این پرسش روبرو هستیم که علل و عوامل این وفاق و یا اختلافها چیست؟

نزدیک‌ترین سند به واقع را برگزیده و به عنوان مقدمه صدور حکمش مجدداً بررسی می‌کند. برای او مهم نیست که آرای فقهی سابق وی تأیید می‌شود یا نه، بلکه چه بسا با بررسی اسناد موجود به تصحیح آرای سابق خویش رو آورد».^۵ آیت‌الله جناتی نیز در مقام ارائه تعریف از «فقه تطبیقی»، بر این باور است که بین فقه مقارن و فقه مقایسه‌ای تفاوت وجود دارد. «فقه تطبیقی را بنا بر تعریف اول، «فقه مقارن» و بنا بر تعریف دوم، «فقه مقایسه‌ای» می‌گویند. مقصود از «فقه مقارن» در اصطلاح عالمان مذاهب اسلامی، تنها بیان آرا و نظرات مختلف آنان در کنار هم است، نه بررسی دلایل آنها. اما مقصود از «فقه مقایسه‌ای» در اصطلاح آنها علاوه بر ذکر فتاوی و آرای آنان در کنار هم، به دلایل آنها نیز پرداخته می‌شود، تا مجتهد و فقیه بتواند از راه مقایسه و موازنه بین ادله آنها، نظری را بر نظری دیگر و یا فتوایی را بر فتوای دیگر ترجیح دهد».^۶



معنای مورد نظر ما از «مطالعات تطبیقی»، بررسی‌های مقایسه‌ای است. یعنی تلاشی است که برای تشخیص مواضع وفاق و خلاف بین دو یا چند نظر به عمل می‌آید. در این مطالعات به صورت طبیعی، پس از مقایسه نقاط مشترک و اختلافی نظرات، با این پرسش روبرو هستیم که علل و عوامل این وفاق و یا اختلاف‌ها چیست؟ از این رو تأکید می‌ورزیم که پس از بررسی تمامی نقاط اشتراک و اختلاف آرا، نقاط قوت و ضعف دلاییشان نیز با هم مقایسه و بررسی شوند. بنابراین موضوع مطالعات تطبیقی، عبارت از شناسایی، تحلیل و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های آرا و نظرات موجود در یک و یا در بین چند نظام و مذهب فکری و یا فقهی، با توجه به دلایل و عوامل مؤثر در پیدایش این نظرات می‌باشد. از این رو در بیان موضوع فقه مقارن نیز گفته شده: «هو آراء المجتهدین فی المسائل الفقهیه من حیث تقيیمها، و الموازنه بینها، و ترجیح بعضها علی بعض»^۷ در نتیجه، موضوع مطالعات تطبیقی را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. کشف و شناسائی آرا و نظرات مشترک و اختلافی ارباب دانش و معرفت.
۲. مقایسه بین آرا و نظرات موجود و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد.
۳. ریشه‌یابی این شباهت‌ها و تفاوت‌ها با بررسی ادله و مبانی علمی هر یک از آرا و نظرات.

پیشینه مطالعات تطبیقی

مطالعات تطبیقی سابقه‌ای بسیار طولانی در تاریخ علوم و دانش بشری دارد. پس از ظهور اسلام نیز شاید اولین نمونه‌های مطالعات تطبیقی را بتوان در میان آموزه‌های دین اسلام، به ویژه آیات قرآن ردیابی کرد. قرآن کریم ضمن دعوت از اهل کتاب به مشترکات و کلمه مورد اتفاق در آیه شریفه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...»^۸ در آیات مختلف دیگری، با سخن گفتن از زبان پیامبران پیشین و توجه به برخی آموزه‌های سایر ادیان، با رویکردی انتقادی به خصوص درباره قدرت الهی و نیز فرزند داشتن خدا، باب مطالعات تطبیقی ادیان را در برابر مسلمانان گشود.^۹

بروز اختلاف بین مسلمانان در زمان‌های بعد، به ویژه اختلاف علما در مبانی

کلامی و شیوه‌های اجتهادی، زمینه پیدایش مذاهب مختلف فقهی و کلامی را در تاریخ اسلام فراهم نمود. عالمان مذاهب اسلامی به خصوص فقها و متکلمین، سعی نمودند تا ضمن دفاع از مذهب کلامی و یا فقهی خویش، از رهیافت مطالعات تطبیقی نیز برای تبیین مسائل اعتقادی و فقهی بهره جویند. شاید بتوان گفت اولین بحث تطبیقی‌ای که در تاریخ مذاهب اسلامی گزارش گردید، توسط امام صادق (ع) در دربار خلیفه عباسی، منصور دوانیقی صورت پذیرفت. امام صادق (ع) وقتی که با ۴۰ پرسش علمی از ناحیه فقیه معاصرش ابوحنیفه مواجه شدند، بر مبنای سه مذهب و رویکرد: «اهل حدیث حجاز» و «اهل رأی عراق» و «مذهب اهل بیت» بدان پرسش‌ها پاسخ گفتند. سپس ابوحنیفه گفت: «أَلَيْسَ أَنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَعْلَمُهُمْ بِاخْتِلَافِ النَّاسِ؟»^{۱۰}

این تلاش تا جایی ادامه یافت که موجب رشد و رواج این رویکرد گردید و با گذشت زمان تبدیل

به علم و دانش مستقلی به نام «خلافیات» یا «علم الخلاف» شد. کارآمدی این علم موجب گردید تا از بزرگان علما از جایگاه

این دانش تجلیل و از آن به دانشی ثمربخش و پرارزشی یاد نمایند.^{۱۱} هر چند بسیاری از تلاش‌های علمی صورت گرفته در حوزه مطالعات مقارنه‌ای و علم الخلاف مشحون به تعصب و نسبت‌های غیر واقعی به مخالفین هم‌کیش و مذهب است، ولی باید اذعان کرد که گسترش دانش تطبیقی و مطالعات مقارنه‌ای تنها راهی است که زمینه و بستری مناسب را برای تحقق و عملی کردن آیه شریفه: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^{۱۲} و انتخاب اقوی، فراهم می‌نماید.

استفاده و بهره‌گیری عالمان مسلمان از این رویکرد و روش علمی، زمینه را برای خلق آثار گران‌قدر در حوزه مطالعات تطبیقی و مقارنه‌ای فراهم کرد. در مورد بررسی احادیث اختلافی کتاب‌هایی از عالمان اهل سنت، مانند:

شاید بتوان گفت اولین بحث تطبیقی‌ای که در تاریخ مذاهب اسلامی گزارش گردید، توسط امام صادق (ع) در دربار خلیفه عباسی، منصور دوانیقی صورت پذیرفت. امام صادق (ع) وقتی که با ۴۰ پرسش علمی از ناحیه فقیه معاصرش ابوحنیفه مواجه شدند، بر مبنای سه مذهب و رویکرد: «اهل حدیث حجاز» و «اهل رأی عراق» و «مذهب اهل بیت» بدان پرسش‌ها پاسخ گفتند. سپس ابوحنیفه گفت: «أَلَيْسَ أَنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَعْلَمُهُمْ بِاخْتِلَافِ النَّاسِ؟»



«اختلاف‌الحديث» از امام شافعی «مختلف‌الحديث» از عبدالله بن مسلم بن قتیبه، و «مشکل‌الاثار» از احمد بن محمد طحاوی و توسط شیعیان نیز «اختلاف‌الحديث» اثر یونس بن عبدالرحمن، «الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار» از شیخ طوسی و «اسباب اختلاف‌الحديث» از محمد احسانی فر لنگرودی تألیف شد.

در مباحث کلام تطبیقی، نیز به خلق آثاری چون: کتاب «مقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین» از ابوالحسن اشعری، «امامت در نگاه مذاهب» از ناشی اکبر و یا «فرق‌الشیعه» نوبختی و... دست یازیدند؛ و در حوزه فقه تطبیقی نیز آثار ارزشمندی مانند: «خلاف» شیخ طوسی، «خلاف‌المذاهب‌الخمسه» حسن بن علی بن داود حلی، «متهی‌المطلب فی تحقیق‌المذهب» و «تذکره‌الفقهاء» از علامه حلی،^{۱۳} «مختلف‌الشیعه فی الاحکام‌الشریعه» به وسیله ابومنصور الحسن بن یوسف بن مطهر حلی و... در دوره اخیر «الاصول‌العامه للفقهاء المقارن» از محمد تقی حکیم، «الفقه علی‌المذاهب‌الخمسه» از مغنیه و «دروس فی الفقه‌المقارن» از آیه‌الله جناتی در حوزه‌های علمی شیعه، و آثار ماندگاری چون «اختلاف‌الفقهاء» طحاوی، «اختلاف‌الفقهاء» طبری، «بداية‌المجتهد و نهایه‌المقتصد» ابن رشد قرطبی، «الاشراف علی‌مذاهب‌الاشراف» ابوهبیره حنبلی و در دوره معاصر «موسوعه جمال‌عبدالناصر» زیر نظر حسن مأمون و «الفقه علی‌المذاهب‌الاربعه»، عبدالرحمان بن محمد عوض جزیری در بین اهل سنت تألیف و به جامعه علمی عرضه گردید.^{۱۴}

❖ اهمیت و ضرورت

مطالعات تطبیقی و مقارنه‌ای به ویژه در حوزه مذاهب، از اهمیت و ضرورت بسیاری برخوردار است. علوم اسلامی از فقه، اصول فقه، کلام، حدیث، تفسیر و... زمانی کمال و استحکام خویش را پیدا خواهد نمود که اختلاف آرا، ادله هر یک از صاحبان آرا و رویکردهای متفاوت آنها در بررسی مسائل دیده شود. به طور طبیعی عالمی که نظرات علما را گرد آورد، اختلاف آرا و فتاوی موجود را بررسی و با توجه به دلایل هر یک، به فهمی در مورد مسئله‌ای دست می‌یابد، نظر و فهم او می‌تواند از استحکام بیشتری برخوردار بوده و در رویارویی با رویکردهای دیگر، دارای قدرت دفاع و مقابله برتری خواهد بود. از این رو است که امام صادق (ع) فرمود: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيْهِ عِلْمِهِ»^{۱۵} برخی از

ارباب مذاهب نیز گفته‌اند: «أَنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَعْلَمُهُمْ بِاخْتِلَافِ الْفُقَهَاءِ»^{۱۶} و با توجه به نقش «علم‌الخلافا» در تفقه، تأکید نموده‌اند «و من لم يعرف اختلاف الفقهاء فليس بفقیه» و «من لم يعرف الاختلاف لم يشم الفقه...» و برخی نیز صدور فتوا را منوط به آگاهی از اختلاف آرا دانسته و گفته‌اند: «لا ينبغي لمن لا يعرف الاختلاف ان يفتي و لا يجوز لمن لا يعلم الاقوال ان يقول هذا احب الي»^{۱۷}.

با توجه به همین اهمیت و ضرورت، بزرگان علمای مسلمان به مطالعات تطبیقی و مقارنه‌ای در بین مذاهب اسلامی روی آوردند که در بررسی پیشینه بحث، تا حدی به تلاش علمای سلف اشاره گردید. شاید لازم باشد که از بین علمای معاصر، از مرحوم آیت‌الله بروجردی نیز یاد شود که در درس خارج فقه خود، ابتدا به طرح فتاوی فقهای اهل سنت می‌پرداخت سپس دلالت روایات منقول از ائمه معصومین^(ع) را بررسی می‌کرد؛ و بر این باور بود که فقه تطبیقی، فهم فقیه را نسبت به روایات ائمه^(ع) تغییر و به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند.^{۱۸}

روایات نیز، به مانند

آیات قرآن، برای خود
 شأن نزولی دارند و
 آگاهی از شأن نزول
 مایه روشن شدن

﴿ علوم اسلامی از فقه، اصول فقه، کلام، حدیث، تفسیر و... زمانی کمال و استحکام خویش را پیدا خواهد نمود که اختلاف آرا، ادله هر یک از صاحبان آرا و رویکردهای متفاوت آن‌ها در بررسی مسائل دیده شود. ﴾

مفاهیم روایات اهل بیت^(ع) است. وی بر این اعتقاد بود که روایات اهل بیت^(ع) در محیطی صادر شده‌اند که اقوال و نظرات فقیهان بزرگ اهل سنت حاکم بوده است؛ و اهل بیت^(ع) ناظر به این فتاوا، سخن گفته و سخنان آنان در رد نظریه و یا در اثبات آن فتاوا بوده است. بنابراین باید جو حاکم فقهی را در زمان صدور به دست آورد، تا فهمید مقصود امام^(ع) از این روایت چیست.

به طور مثال می‌گفتند: نظر به حدیثی که از ائمه^(ع) در مورد ضرورت جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» بیان شده است، فقهای شیعه، حتی در نمازهای اخفاتیه، فتوا به استحباب جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» داده‌اند. مرحوم آیت‌الله بروجردی، با بررسی فتاوی فقهای اهل سنت، در این استحباب تردید کرده و می‌فرمود: «این حدیث در فضایی صادر شده که بنا بر فتاوی فقهای اهل سنت، مسلمانان باید در نمازهای جهریه نیز «بسم‌الله» را آهسته بخوانند. بنابراین، این



روایت بیش از این را ثابت نمی‌کند که در نمازهای جهریه «بسم‌الله» باید بلند خوانده شود.

این شیوه تحقیق، فقه را از حالت اختصاصی، به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل نمود و فقیه در این روش علاوه بر تفکر و تعمق، «باید» به آرای گذشتگان، اعم از فقهای اهل سنت و شیعه نیز رجوع کند.^{۱۹}

از سویی دیگر توسعه و تعمیق مطالعات تطبیقی و مقارنه‌ای در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، می‌تواند به سرمایه عظیم علمی و فرهنگی برای جهان اسلام تبدیل شده و ضمن ایجاد بستر لازم برای تعامل علمی و تقریب سازنده بین علمای مذاهب اسلامی، زمینه‌های ضروری را برای نظریه‌پردازی، تولید علم و نوسازی مبانی علوم مختلف اسلامی فراهم نماید.

❁ فواید و دستاوردهای مطالعات تطبیقی

هدف مطالعات تطبیقی، بررسی و تطبیق عالمانه، از روی انصاف و بدون جانب‌داری فرقه‌ای و مذهبی آرا و معتقدات موجود، حول موضوع یا مسئله‌ای در کنار یکدیگر است. گسترش این نوع از مطالعات در کلیه رشته‌های علمی، ضمن اینکه مقدمات تقریب را در علوم اسلامی، به ویژه تقریب در مبانی اجتهادی و استفاده از مصادر فقهی را فراهم می‌کند،^{۲۰} می‌تواند آثار و پی‌آمدهای علمی دیگری را نیز در پی داشته باشد. زیرا محقق و یا عالم دینی می‌تواند با دسترسی به کلیه اطلاعات موجود، به دانشی انبوه و گسترده‌ای دست یازد و به تعبیر پیامبر اکرم (ص) «اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه»^{۲۱} و در نتیجه بررسی آرا و ادله هر یک، به رأی و نظر درست و «اتباع احسن» برسد. در این قسمت به اهم فوایدی که علما بر شمرده‌اند اشاره می‌شود.

- گردآوری اطلاعات و نظرات موجود حول یک مسئله که موجب شناخت دقیق‌تر موضوع خواهد شد.
- شناخت نقاط اشتراک در بین صاحبان آرا.
- شناخت نقاط افتراق و اختلاف موجود در بین عالمان و اندیشمندان مرتبط.
- شناخت اسباب و دلایل اختلاف در مسئله.^{۲۲}
- بررسی ادله هر یک از آرا و در نتیجه توسعه و تکمیل ادله نقلی از آیات

- و روایات.
- امکان کشف شیوه و ساختار اندیشه و تفکر هر یک از ارباب آرا و مذاهبی که نظراتش مورد بررسی است.
 - فراهم شدن زمینه شناخت مبانی فکری و منابع اجتهادی که باعث پیدایش اختلاف در آرای عالمان شده است.
 - پیدایش سعه صدر و ظرفیت علمی برای علما و اندیشمندان جهت گوش سپردن به نظرات مختلف یکدیگر.^{۲۳}
 - تقریب آرای علمای مذاهب در بسیاری از مسائل نظری و مبانی اجتهادی.^{۲۴}
 - کاهش عوامل اختلاف با گسترش دانش، رفع سوء تفاهم‌ها و کشف نسبت‌های ناروا.
 - رفع اختلاف با بررسی ادله، آرا و تحقیق علمی و امکان انتخاب احسن.^{۲۵}

❁ لوازم و بایسته‌های مطالعات تطبیقی

- مطالعه تطبیقی و مقارنه‌ای، مطالعه‌ای توصیفی و مقایسه‌ای است که می‌تواند درباره موضوعات گوناگون بین مذاهب شکل گیرد. به دلیل روش‌مند بودن این نوع از مطالعه، یک اثر تطبیقی باید واجد ویژگی‌های زیر باشد:
- پژوهش‌گر تطبیقی ضمن شناخت دقیق و درست از روش مطالعات تطبیقی، در عمل نیز باید ملتزم به شرایط و لوازم این نوع از مطالعات و پژوهش باشد.
 - باید نسبت به موضوعات بین مذاهب مورد بحث، اشراف و آشنایی کافی داشته باشد. وجوه مشترک و افتراق آرا و یا مذاهب مرتبط با موضوع را استخراج نماید.
 - در نقد آرا و نظرات باید از مسیر انصاف بیرون نرود. از این رو لازم است الف. نقد بر اساس امور بدیهی و مسلمات عقلی که مورد قبول طرفین است صورت پذیرد.
 - ب. اینکه نقد باید بر اساس مبانی مورد قبول آن شخص و یا مذهب وی به عمل آید.
 - نقل مطالب باید مستند به منابع دست اول و معتبر باشد، نقل از منابع دست دوم و یا استناد به منابع دیگر مذاهب، نمی‌تواند وجاهت علمی داشته باشد.



- نقل مطالب، حتی از منابع دست اول و معتبر، به ویژه در نقل‌های غیر مستقیم باید با رعایت امانت‌داری کامل صورت پذیرد.
- هر مذهبی می‌تواند، فقیه یا متکلمی دارای آرای نادر باشد، در مطالعات تطبیقی باید از طرح آرا و فتاوای شاذ به عنوان گرایش مذهب خاص، خودداری گردد.
- پژوهش‌گر باید این مطالعه را همراه با سعه صدر، بی‌طرفی علمی و عدم جانب‌داری از رأی یا مذهب خاصی به عمل آورد.

❁ نتیجه‌گیری

علی‌رغم این که برخی تلاش‌های علمی در حوزه مطالعات تطبیقی و علم‌الخلافا، مشحون به تعصب و نسبت‌های ناروا به مخالفین هم‌کیش و مذهب است، ولی این‌گونه از مطالعات، تنها راهی است که ضمن تقویت رویکرد عالمانه، مبرا از تعصب‌های فرقه‌گرایانه در صدد تحکیم مبانی تقریب بین مذاهب اسلامی است و زمینه و بستری مناسب، برای رشد و تعالی اسلام در عرصه تولید علم و نظریه‌پردازی است و رفع بسیاری از سوءتفاهم‌های مذهبی و اعتقادی را فراهم نموده و دستاوردهای علمی گسترده‌ای را برای جهان اسلام در پی دارد. در این جا شرط آن است که محقق تطبیقی از هرگونه جانب‌داری دوری گزیند و با استناد به منابع دست اول و معتبر هر مذهبی به بررسی و تحقیق خود پردازد و با سعه صدر از هرگونه ضعف و آسیب در مسیر تولید یک اثر علمی بپرهیزد.

کتاب‌نامه

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.
۲. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف، جامع بیان‌العلم و فضله، تحقیق ابوعبدالرحمن فواز احمد زمرلی، مؤسسه الریان و دار ابن حزم، ۱۴۲۴هـ.ق.
۳. الانصاری، محمدعلی، الموسوعه‌الفقهیه‌المیسره، الجزء‌الاول، مجمع‌الفکرالاسلامی، قم، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴هـ.ق.
۴. تهوری، مسلم، آیت‌الله بروجردی و اتحاد دنیای اسلام (منادیان تقریب ۳)، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، زاهدان، چاپ اول، ۱۳۸۲هـ.ش.
۵. جناتی، محمدابراهیم، دروس فی‌الفقه‌المقارن، مقر المنطقه‌الثانیه لمنظمه‌الاعلام‌الاسلامی، قم، ۱۴۱۵هـ.ق.
۶. جناتی، محمدابراهیم، کیهان اندیشه، ۱۳۷۴، شماره ۵۹.
۷. الحکیم، محمدتقی، اصول‌العامة للفقهاء المقارن، تحقیق: و فی‌الشناوه، مرکز الدراسات‌العلمیه‌التابع للمجمع‌العالی للتقریب بین‌المذاهب‌الاسلامیه، طهران، ۱۴۳۱هـ.ق/۲۰۱۰م.
۸. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام‌النبلاء، مؤسسه‌الرساله، بیروت، چاپ نهم، ۱۴۱۳هـ.ق.
۹. صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی بن‌الحسین بن بابویه القمی، من لایحضره‌الفقیه، تصحیح علی‌اکبر الغفاری،

- جماعه المدرسين، قم، ۱۳۰۴هـ.ق.
۱۰. موسوعه الفقه الاسلامي المقارن، الشهيره بموسوعه جمال عبدالناصر الفقيهيه، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، القايره، ۱۳۸۶هـ.ق.
۱۱. يزدي، محمد، خاطرات، انتشارات مركز اسناد انقلاب اسلامي، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰هـ.ش.

پی نوشت:

۱. «مجموعه عامه شامله لفقه المذاهب الفقيهيه كلها او اشهرها، هي الي اختصت باسم اختلاف الفقهاء»، موسوعه الفقه الاسلامي المقارن، الشهيره بموسوعه جمال عبدالناصر الفقيهيه، المجلد الاول، ص ۱۲.
۲. يطلق الفقه المقارن - اولا - و يراد به جمع الاراء المختلفه في المسائل الفقيهيه على صعيد الواحد دون اجراء موازنه بينها، و يطلق اثنيا على جمع الاراء الفقيهيه و تقييمها، و الموازنه بينها بالماس أدلتها و ترجيح بعضها على بعض، ر.ك اصول العامه للفقه المقارن، ج ۱، ص ۴۱.
۳. «فقد عرفه تسهيل الوصول الي علم الاصول انه «علم يقتدر به على حفظ الاحكام الفرعيه المختلف فيها بين الاثمه، أو هدمها بتقرير الحجج الشرعيه و قوادح الادله» (دراسات في الفلسفه الاسلاميه للتفتازاني ص ۱۲۷ نقلا عن تسهيل الوصول ص ۱۰).
۴. دراسات في الفلسفه الاسلاميه للتفتازاني ص ۱۲۷ نقلا عن تسهيل الوصول ص ۱۰، همچنين، ر.ك به پاورقی همين صفحه.
۵. ر.ك دراسات في الفلسفه الاسلاميه للتفتازاني ص ۱۲۷ نقلا عن تسهيل الوصول، ص ۴۲.
۶. جناتي، محمدابراهيم، كيهان انديشه، ۱۳۷۴، شماره ۵۹.
۷. ر.ك اصول العامه للفقه المقارن، ج ۱، ص ۴۴.
۸. قرآن كريم، سوره آل عمران، آيه ۶۴.
۹. ر.ك به آياتي چون آيه ۶۴ سوره مائده، آيه ۳۰ و ۳۱ سوره توبه.
۱۰. ذهبي، ص ۲۵۸-۲۵۷.
۱۱. ر.ك ابن خلدون، مقدمه، ص ۴۵۷ «و هو لعمري علم جليل الفائده في معرفه مأخذ الاثمه و ادلتهم...».
۱۲. قرآن كريم، سوره زمر، آيات ۱۷ و ۱۸.
۱۳. ر.ك الانصاري، محمدعلي، الموسوعه الفقيهيه الميسره، الجزء الاول، ص ۵۴.
۱۴. ر.ك جناتي، محمدابراهيم، كيهان انديشه، ۱۳۷۴، شماره ۵۹.
۱۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴.
۱۶. ذهبي، ص ۲۵۸-۲۵۷.
۱۷. ابن عبدالبر، جامع بيان العلم و فضله، باب من يستحق ان يسمى فقيها او عالما حقيقه لا مجازا.
۱۸. ر.ك: يزدي، محمد، ص ۱۳۵.
۱۹. تهوري، مسلم، ص ۳۶.
۲۰. ر.ك، جناتي، محمدابراهيم، دروس في الفقه المقارن، المقدمه، ص ۴۷.
۲۱. صدوق، ج ۴، ص ۳۹۵.
۲۲. ر.ك: يزدي، جناتي، همان، ص ۲۷.
۲۳. از ثمرات شيوه تدريس تطبيقي مرحوم آيت الله بروجردي از جمله، تغيير نگاه شاگردان و نسل بعدي عالمان شيعه به اهل سنت و تقويت رويکرد گفتگو به جای مقابله و بيان ضعفها و كاستيها بر شمرده اند. ر.ك: يزدي، ص ۱۳۵.
۲۴. جناتي، محمدابراهيم، دروس في الفقه المقارن، ص ۳۱.
۲۵. ر.ك، حكيم، اصول العامه للفقه المقارن، ص ۶ و جناتي، كيهان انديشه، ۱۳۷۴، شماره ۵۹.

